

امام رضا(ع) به شدت در مقابل غلو می ایستاد/ معنای دقیق غلو و انواع آن

یک پژوهشگر تاریخ سیره گفت: غلو به معنی زیاده از حد گویی یا اعتقاد زیاده از حد است، اما به هر زیاده از حدی، غلو نمی‌گویند...

نشست امام رضا(ع) و جریان های شیعی غالی؛

امام رضا(ع) به شدت در مقابل غلو می ایستاد/ معنای دقیق غلو و انواع آن

یک پژوهشگر تاریخ سیره گفت: غلو به معنی زیاده از حد گویی یا اعتقاد زیاده از حد است، اما به هر زیاده از حدی، غلو نمی‌گویند، بلکه زیاده از حدی که خود حد را نیز تحت تأثیر قرار دهد غلو می‌گویند. به گزارش خبرگزاری مهر، نشست «؛امام رضا (ع) و جریان‌های شیعی غالی» روز یکشنبه 25 مرداد ماه، همزمان با ایام مبارک میلاد ثامن‌الحجج (ع) با حضور دکتر نعمت‌الله صفری فروشانی در پژوهشکده تاریخ اسلام برگزار شد.

دکتر صفری فروشانی در ابتدای این نشست گفت: دوران امامت امام رضا (203-183 ق.) از نظر جریان‌شناسی کلامی چه در میان اهل سنت یعنی معتزله و چه در میان جریان‌های مختلف شیعی از اهمیت فراوانی برخوردار است. به ویژه نوع و گونه‌های جریان‌های شیعی که در مقابل امام رضا ایستادند، در هیچ دوره دیگری اتفاق نیفتاد.

وی از واقفیه به‌عنوان مهم‌ترین و خطرناک‌ترین جریان غالی این دوران نام برد که در مقابل هیچ امامی با این وضع و جریان نایستاد. جریانی که مراجع و مجتهدان زمان خود و نزدیک‌ترین افراد به امام قبلی بودند، و در مقابل امام رضا (ع) ایستادند و دلیل برخورد قاطع امام رضا (ع) با آنان به دلیل عظمت خطر آنهاست.

صفری در ادامه، جریان‌های دیگری مثل اسماعیلیه، زیدیه و فطحیه را نام برد و گفت در درجه دوم اهمیت قرار دارند. به دلیل مبارزه سهمگین امام صادق (ع) با غلات، شاید غلات در دوران امام رضا فعالیت چندانی نداشته باشند و گمانم بر این بود که آنان در تمام جوه نابود شده بودند. اما با مراجعه به کتاب‌هایی مثل عیون اخبار الرضا و کتاب‌های دیگر، متوجه شدم این جریان بسیار فعال است و امام رضا در مقابله با آنها اقدام کرده است.

این استاد دانشگاه در ابتدای بحث در مفهوم‌شناسی جریان غلو گفت: غلو به معنی زیاده از حد گویی یا اعتقاد زیاده از حد است. اما به هر زیاده از حدی، غلو نمی‌گویند. زیاده از حدی که خود حد را نیز تحت تأثیر قرار دهد غلو می‌گویند. ما در اینجا به شناخت دو گونه غلو نیاز داریم. یکی غلو الحادی و یکی غلو تفویضی یا به عبارتی غلو در ذات و غلو در صفات. غلو الحادی یا غلو در ذات یعنی حد امام را ماهیتاً از خودش بالاتر ببریم. مثلاً بگوییم امام پیامبر است یا خداست که غلو در ذات است. غلو در صفات یا غلو در فضائل این است که صفات مخصوص خداوندی یا صفات مخصوص نبوت را به او نسبت می‌دهیم، مثلاً اینکه امام خالق یا رازق است و تدبیر تمامی جهان در دست اوست.

غلو در شیعه به صورت سازمان‌دهی شده با کیسانیه شروع شد. آنها یک گروه زیرزمینی علیه بنی‌امیه بودند و به دلیل مخفی بودن اقداماتشان، مجبور بودند خودشان و اعتقاداتشان را در میان گروه بالاتر ببرند. محمد حنفیه و بعد از او ابوهاشم را از همه برتر می‌دانستند. این سازمان در اواخر قرن اول (سال 96 هجری) دچار انشقاق شد و رهروان آنها وارد جامعه شدند و اعتقاداتشان در میان شیعه امامیه راه یافت.

این محقق گفت: در دوره امام رضا فرقه غالی قدرتمندی نداریم، بیشتر غالبان این دوره پیرو ابوالخطاب هستند. در دوره امام رضا هر دو نوع غلو وجود داشت. هم الحادی و هم تفویضی. امام رضا با گونه‌های مختلف با آنها به مبارزه می‌پرداخت. او معتقد بود یکی از دلایل غلو، جهل و نادانی و نشناختن عظمت خداوندی است. ایشان به اصحاب خویش توصیه می‌کردند که با آنان مصاحبت، نشست و برخاست و ازدواج نکنید. تأکید امام رضا(ع) و کثرت روایات ایشان، نشان می‌دهد که غلو الحادی در این دوره هنوز از بین نرفته است.

وی افزود: بنده معتقدم با توجه به شرایط پیش آمده، یعنی کاهش سخت‌گیری‌های هارون، دعوی‌های امین و مأمون، دوره بسیار خوبی بود که امام رضا همانند امام صادق(ع) به ترویج عقاید اسلامی بپردازند. یکی از عللی که امام رضا(ع) در این زمینه مثل امام صادق(ع) شاخص نشد، همین جریان‌های درون گروهی شیعه به‌خصوص واقفیه و غلات بودند. از میان کسانی که به غلو الحادی اعتقاد داشتند، می‌توان یونس بن ظبیان، حسین بن علی خواتیمی و محمد بن فرات را نام برد که اغلب در میان رجال شناخته شده هستند و از همین رو، روایتی از آنان نقل نمی‌شود. در مورد جریان غلو تفویضی باید گفت هنوز آثار آن در میان عامه مسلمانان وجود دارد. این فرقه در زمان امام رضا به وجود آمدند، تا پیش از آن، «؛تفویض» عقاید معتزله را به ذهن متبادر می‌کرد، اما به صورت فرقه‌ای غالی و سازمان‌دهی شده، اولین نشانه‌های آنان را در روایات امام رضا می‌بینیم که: «؛الغلات کافرون و المفوضه مشرکون».

مفوضه کسانی بودند که مقام امام را در جای خود می‌گذاشتند، اما صفاتی را به امام نسبت می‌دادند که بسیار فراتر از حد امام بود.

این پژوهشگر تاریخ سیره در ادامه نظریه‌ای در شیعه به نام نظریه ابواب را نام برد. که شیعیان امامیه بسیار خوش‌بینانه با این نظریه برخورد کردند و گفت: من معتقدم ریشه این نظریه متعلق به غلات تفویضی است. طبق این نظریه بعد از ائمه تالی ائمه کسانی هستند به نام ابواب و برای هر یک از معصومین یک باب فرض می‌کنند؛ باب حضرت رسول (ص)، حضرت علی (ع) است و باب حضرت علی (ع)، سلمان و باب حضرت زهرا (ع)، فضه است و همین‌طور تا امام زمان. از نظر اینها، باب از منظر معنوی و علمی، دومین شخص عالم امکان است. به‌طور مثال در دوره امام صادق، شخص اول عالم امکان امام صادق و شخص دوم مفضل است. تصور بنده این است که این نظریه ناخودآگاه از غلات تفویضی وارد نظریات امامیه شده است. تنها کتابی که به‌صورت مستند این نظریه را ذکر کرده «هدایت الکبری» حسین بن حمدان خصیبی از سران ثنویه است. نصیریه یکی از فرق غلات هستند که رهبر خود محمد بن نصیر معروف به ابوشعیر را باب امام عسکری و حضرت صاحب می‌دانستند. ریشه بابیه در دوره امام رضا (ع) دیده می‌شود که شخصی به نام محمد بن فرات یا عمر بن فرات را باب امام رضا (ع) می‌دانستند.

صفری فروشانی تصریح کرد: عقاید مفوضه در سیر تاریخ رو به افول رفت. اما در قرن هفتم، مجدداً مورد بررسی قرار گرفت و برخی از علمای این دوره به این نتیجه رسیدند که دلیل افول مفوضه در تاریخ این بوده است که مباحث مطروحه توسط آنان در زمان خود، قابل درک عامه مردم نبوده است. تا جایی که مجلسی پدر درباره آنان گفت چه بسا در قرون اولیه برخی عقایدی را مطرح می‌کردند و متهم به غلو می‌شدند که اکنون ضرورت حیات شیعه است. یکی از این افراد محمد بن سنان است که متهم به غلو شد و بعدها به احادیث او بسیار تکیه می‌شد و معتقد بودند احادیث او از غر احادیث است. به‌طور مثال یکی از رهبران این فرقه، محمد بن علی ابوثمینه است که وقتی در اواخر قرن دوم هجری به قم آمد، او را به دلیل عقاید غلوآمیزش از قم بیرون کردند. ولی امروز معروف است که حرف‌های او از سطح عامه مردم زمانش بالاتر بود.

وی افزود: امام رضا (ع) در مقابل غلو الحادی نیز می‌ایستاد. روایات بسیاری از ایشان نقل شده که ایشان به سختی در مقابل الحاد ایستادگی می‌کردند. یکی از غر روایات امام رضا (ع) در عیون اخبار الرضا این است که در آن مشخصات روحی و جسمی امام را توضیح داده تا شبهه‌ای برای اهل زمان پیش نیاید. به‌طور مثال «الامام یولد و یلد»، «یصح و یمرض»، «یاکل و یشرّب»، «ینکح و ینام»، «یفرح و یحزن»، «یحیی و یمیت» و ...

این استاد دانشگاه یادآور شد: روایت دیگری از امام رضا نقل شده که می‌فرمود: «لا ترفعونی فوق حقّی فانّ الله تبارک و تعالی یتخذنی عبداً قبل أن یتخذنی نبیاً» مرا از مرتبه خودم بالاتر نبرید که خداوند تبارک و تعالی پیش از آنکه مرا فرستاده باشد، عبد قرار داده است.

نویسنده کتاب «غالیان: کاوشی در جریان‌ها و برآیندها: تا پایان سده سوم» در پایان سخنانش حدیثی از امام هشتم را نقل کرد که امام رضا (ع) می‌فرمود امامت امام را از دو راه می‌توان فهمید. یکی از راه «نص» که امام قبلی تصریح کند و یکی «دلیل» که امام آن را به علم و استجابت دعا تعبیر کرده است. امام همچنین تأکید می‌کنند برای اطلاع از صحت حدیث به انسجام حدیث و نص قرآن مراجعه کنید و در جایی دیگر به یکی از اصحاب خود می‌فرمایند مخالفین ما سه نوع حدیث از ما ذکر کرده‌اند، نوع اول غلو است، که شیعیان ما را منجر می‌کرد. نوع دوم تقصیر است که ما را از حد خود پایین‌تر آورده بود، و قسم سوم، احادیثی است که مطاعن دشمنان ما را تصریح می‌کند و احادیثی است که از زبان ما علیه دشمنان ما ساخته شده است.